

«جوان» اقتضائات برگزاری آیین عزاداری اباعبدالله الحسین^(ع) را واکاوی می کند

«باید»های عزاداری سیدالشهدا^(ع)

عزاداری ایام محرم برای زنده نگه داشتن قیام حسین بن علی^(ع) است؛ قیام امر به معروف و نهی از منکر و قیام برای عدل اسلامی

عزاداری حسین بن علی(ع) از مهم ترین شاعران اسلامی است که حتی قبل از واقعه کربلا، آل عبا بارها بر مصیبت کربلا گریسته‌اند و به سبب همین اهمیت، حرمت اسلامی آن باید ر عایت شود اما چگونه؟ شاید مهم ترین توصیف چگونگی برگزاری آیین عزاداری در کتاب «حماسه حسینی» شهید مرتضی مطهری - عقبه فکری جمهوری اسلامی ایران - تشریح شده است، مخصوصاً آنجا که تأکید می کنند اگر می خواهیم به خودمان ارزش بدهیم، اگر می خواهیم به عزاداری حسین بن علی(ع) ارزش بدهیم، باید فکر کنیم که اگر حسین بن علی(ع) امروز بود و خودش می گفت برای من عزاداری کنید، می گفت چه شعاری بدهید؟ آیا می گفت بخوانید: «و جنان اکبر من» یا می گفت بگویند: «زینب مضطرم الوداع، الوداع»؟! چیزهایی که من (امام حسین) در عمر هرگز به این جور شعارهای بیست، کثیف و ذلت آور تن ندادم و یک کلمه از این حرف ها را نگفتم. اگر حسین بن علی(ع) بود، می گفت: اگر می خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزن، شاعر امروز تو باید فلسطین باشد. شمر امروز موشه دایان است. شمر هزار و ۲۰۰ سال پیش مرد، شمر امروز را بشناس. امروز باید در دیوار این شهر با شعار فلسطین تکان می خورد. مرتب دروغ در مغز ما کردند که این یک مسئله داخلی است، مربوط به عرب و اسرائیل است. باز به قول عبدالرحمن فرامرزی اگر مربوط به اینهاست و مذهبی نیست، چرا یهودیان دیگر دنیا مرتب برای اینها بول می فرستند؟

□□□

عقلانیت محور ذات اسلام است و در تمام چوه زندگی اسلامی نقشی پررنگ و اساسی دارد، به نحوی که حتی عقاید و باورهای قدیمی را که ریشه در مذهب و سنت ما ایرانیان دارد و یا آن خو گرفته و افتخار می کنیم هم بعضاً تحت الشعاع قرار می دهد. در مورد بحث عظیم و محترم عاشورا هم به همین نحو است. جدای از حس غربی که نسبت به عاشورا، آن واقع عجیب و دوست داشتنی است، نهفت سراسر عقلانی و انسانی عاشورا، هنوز بعد از هزار و ۴۰۰ سال در بطن خود مبارزه با چالش را تأکید می کند، فهم مان می کند آزادبودن و آزادی را و یادمان می اندازد مبارزه با فساد و تبعیض را در مواجهه با هر اتفاقی که بوی ناپرابری می دهد. قیام عاشورا و حرکت قدرتمند امام حسین(ع) که تا امروز در تاریخ مثل وشبیه اش را ندیده ایم، تکرار مکرر معقولیت است، این معقولیت در هر زمانی می تواند به شکلی خود را نشان دهد. در مبارزه با فکار و همرا کردن آنها در مسیر وحدانیت، بهترین اقدام همان بود که امام حسین(ع) کرد و جز او هم هیچ کس نمی توانست چنین راستین برای احیای حق مبارزه کند.

زنده نگه داشتن قیام

به قول استاد مطهری، چرا انتمه اظهار(ع) این همه تأکید و اصرار کردند عزاداری حسین بن علی(ع) برای همیشه زنده بماند؟ هر سال که محرم می رسید، خود انتمه اظهار(ع) اعلام عزای می کردند، وضع شان تغییر می کرد و به شیعیان شان هم دستور می دادند که برای همیشه چنین کاری بکنند، چرا؟ این عزاداری، شخصی نیست، مسئله چیز دیگری است؛ زنده نگه داشتن قیام حسین بن علی(ع).

قیام حسین بن علی(ع) قیام امر به معروف و نهی از منکر بود، قیام برای عدل اسلامی بود. امر به معروف و نهی از منکر خودش یک اصل اسلامی است، عدالت یک اصل اسلامی است، امامت که حافظ و نگهدیان اصول اسلامی است، خودش یک اصل دیگر اسلامی است. اصل عدالت، اصل امر به معروف و نهی از منکر به وسیله یک امام مقتضی الطاعه وقت احیا شده است، ما که این جریان و نهضت را برای همیشه زنده نگه می داریم، بزرگ ترین شعار امامت را حفظ کرده ایم، بزرگ ترین شعار امر به معروف و نهی از منکر را حفظ کرده ایم، بزرگ ترین شعار طرقداری از عدالت و مبارزه با ظلم را حفظ و نگهداری کرده ایم.

هدف یکی است، مسیر تغییر کرده است

در این دوره اما باز هم مسیر همان و هدف همان است، فقط شکل آن تغییر کرده است، اصلا شکل، روش و



منش آن باید تغییر کند، باید با زمانه پیش رود تا در فهم عامه بنشیند و مورد پسند خاصه قرار گیرد. همه تلاش امام حسین(ع) و جنگیدن علیه ظلم برای این بود که امروز و بعد از هزاران سال و برای نسل های آینده، آموزه های عقلانی و دینی عاشورا کمرنگ نشود، به فراموشی سپرده نشود و محور حق، حول تمامی امور بچرخد، پیشی بگیرد و تسلط یابد.

عاشورا مصداق بارز حق طلبی است، عزت و غیرت دینی را در خود جای داده و حالا سدید بیچ در اختیار جامعه امروز که اتفاقاً خیلی هم به آن نیاز دارد، تقدیم شده است.

عزّی که امام حسین(ع) به اسلام داد، غیرتی که برای حفظ آن به خرج داد و خونی که برای به جا ماندن آن، ناحق از او ریخت، مسئولیت اجتماعی و انسانی امروز دستدارانش را سنگین تر می کند؛ سنگین تر از آن جهت که برای ادامه دادن راه روشن و بلند عاشورا، در رکایش پا به قرص بنایم و حتی در کوچک ترین کارهای مان حتی در این شب ها که لباس ماتم به تن کرده ایم و در خانه های مان روضه حسین طنین انداز است، حق همسایگی را به جا بیاوریم، با ملانند و درک شرایط اطرافیان عزاداری کنیم و آموزه های باعث و بانی این مجالس را فراموش نکنیم.

تحقیق نویی و تبری

یادمان نرود آموزه های دینی عاشورا به دل ها می نشیند و مهر و محبت مردم به امام حسین(ع) مثال زدنی است اما حتی در سوگواری برای او درس هایی نهفته است؛ از ستم ستیزی تا پاسداری از خون شهیدان، از وفاداری و از خودگذشتگی تا تحقق «تولی» و «تبری»، از توجه به زندگی عزتمندانهای که امام حسین(ع) بر آن تأکید داشت و بر انزجار و دوری از جامعه ای ذلیلانه سخن ها می گفت.

«پیشار و فداکاری» یکی از اصلی ترین آموزه های دینی آیین عزاداری در عاشورا است و عزاداری برای این امام بزرگوار نباید فقط در گریه و ماتم خلاصه شود، بلکه توجه به این آموزه هایی که به آن اشاره شد، نشان دهنده بصیرت مخلصان حسین(ع) است.

به گفته شهید مطهری، در شرایط خشن یزیدی، در حزب حسینی ها شرکت کردن و تظاهر به گریه بکردن بر شهدا نوعی اعلام وابسته بودن به گروه اهل حق و اعلان جنگ با گروه اهل باطل و در حقیقت نوعی از خودگذشتگی است. اینجاست که عزاداری حسین بن علی(ع) یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است، اما تدریجاً روح و فلسفه این دستور فراموش می شود و محتوای این ظرف بیرون می ریزد و مسئله شکل یک عادت به خود می گیرد که مردمی دور هم جمع شوند و به مراسم عزاداری مشغول شوند، بدون اینکه نمایانگر جهت گیری خاصی اجتماعی باشد و بدون آنکه از نظر اجتماعی عمل معنی داری به شمار رود، فقط برای کسب ثواب (که البته دیگر توابی هم در کار نخواهد بود)؛ مراسمی را مجرد از وظایف اجتماعی و بی رابطه با حسین های زمان و بی رابطه با یزیدها و عبیدالله های زمان به یادارند.

اینجاست که حرکت تبدیل به بنیاد یعنی عادت

کسی از کسانی که به من ظلم کرده اند، در تشییع جناز هام شرکت کنند؟ برای اینکه می خواست این ظلم در جهان لوٹ نشود، زیر لوٹ شدن ظلم گناه است. می خواست تا بعد از ۱۴ قرن هم بیایند و بگویند: فُلّانی الامور تدقّق لیلاً، تَضَعُ المَظْطَی و تَغْفی ثُرَیْها چرا پاره جگر پیغمبر (ص) شبانه باید دفن شود؟ چرا باید محل قبرش مخفی بماند؟ می خواستند این علامت سؤال همیشه باقی بماند، می خواستند این ظلم و این مظلومیت فراموش نشود.

یک ایران کربلا

مردم ایران در طول تاریخ حق عزاداری حسین فاطمه(ع) را خوب ادا کرده اند، هر چند بعضاً بدعت هایی در نوع برگزاری مراسم ها ایجاد شده است و با روح واقعه کربلا همخوانی ندارد و به جز ایجاد آذیت برای مردم، سود دیگری ندارد، اما این شب ها حال و هوای شهر ها فرق کرده است، کوجهارنگ عزا گرفته و گلدسته های مساجد و حسینیه ها سیاه پوش شده است. هر شهر هم آیین و رسوم خود را برای عرضی ارادت به امام حسین(ع) به جامی آورد.

مشهد

مشهد و بارگاه منور امام هشتم که این شب ها عجیب بدینی است، سبل زائر به این شهر و هیئاتی که یکی پس از دیگری سیاه پوش به حرم می آیند، در نوحه خوانی از دلایل قیام امام حسین(ع) می گویند و نورا با سوز خود همراه می کنند، یاد آور همان آموزه های دینی عاشورا است، به خصوص که عزاداران، رسم همسایگی و میهمان نوازی را هم به جامی آورد.

یزد

یزد اما با آن مراسم باشکوه آذین بندی حسینیه ها، نخل برداری و برپایی هیئت های سینه زنی در بین دیگر شهر ها شناخته شده و عزاداران خوب می دانند حین مراسم و بعد از آن، به حال و احوال مردمی که به هر دلیلی نمی توانند در مراسم شرکت کنند، احترام بگذارند و موجبات آزار آنها را با سد معبر یا صدای بلند نوحه خوانی ها فراهم نکنند.

کاشان

مردم کاشان هم با برپایی خیمه و تکیه رسم عزاداری را به درستی به جا می آورند و یکسری آیین های بومی دارند که به سنتی دیرینه در این دیار تبدیل شده است، سال هاست مردم کاشان در ظهر عاشورا در مراسم عزاداری نخل بلند می کنند و خیلی ها از شهر های مختلف در این روزها به کاشان می روند تا در این مراسم عزاداری شرکت کنند.

لرستان

در استان لرستان مراسمی به نام «گل مالی» رایج است که در این مراسم به کمک خاک نرم و گلاب، گل ساخته می شود و عزاداران صورت و دست های شان را با گل می پوشانند، اما خوب حواس شان است که این مراسم برای کسانی که شرکت نمی کنند، ایجاد مزاحمت نکند.

بروجرد

در بروجرد هم ر رسمی در شب عاشورا م رسوم است به این صورت که زنان به یساد حضرت زینب(س) با صورت های پوشیده و با پای برهنه شمع به دست می گیرند و جالب اینکه تعداد این شمع ها معمولاً ۴۰ عدد است و آنها را در ۴۰ مئبر عزای حسینی قرار می دهند تا حاجت روا شوند.

بوشهر

در بوشهر هم در عاشورا ر رسمی وجود دارد که در کنار برپایی دسته های سینه زنی، سنج و دمام نواخته می شود و معمولاً تعداد دمام ها هفت عدد است و ریتم یکی از آنها بر خلاف بقیه است. حضرت ابیطور است. برسیدم، آقا چرا حال تان اینطور است، آیا حادثه ای پیش آمده؟ فرمود: منگر نمی دانی امروز روز اول محرم و روز مصیبت ما اهل بیت است؟! بعد حضرت رو به من کرد و فرمود: پسر شبیب! هر گاه بر چیزی خواستی بگری، بر جد ما حسین بن علی(ع) گری کن. چرا انتمه(ع) ما ذکر مصائب مادر شان زهر(اس) را می کردند و می گریستند؟ اصلاً چرا حضرت زهر(اس) دستور داد شبانه دفنش کنند؟ چرا فرمود نمی خواهم



مردم محلی ایام عزاداری

۱۲ ویتروین



عزادار حقیقی کیست؟

از یک عزاداری چه انتظاری داریم و باید داشته باشیم؟ محصول یک عزاداری موفق چیست؟ و اصول عزاداری واقعی چه خصوصیاتی دارد و عزادار حقیقی کیست؟ کتاب «عزادار حقیقی» استاد محمد شجاعی آنچنان که از اسم آن پیداست مراتب پنج گانه سیر و سلوک عزادار را بر بررسی می نشیند. این کتاب سعی دارد مراتب عزاداری را مفصل شرح دهد و صدوع به قلّه آن را که رسیدن به مقام «آن بزرگنی طلب ثاری مع امام هدی» است، برای عزادار آسان کند.

در پیش گفتار کتاب در پی ارائه این نکته برمی آید که «هیچ عملی به اندازه برپایی عزاداری برای امام حسین(ع) در حفظ دین از انحراف و از هجوم بی امان دشمنان اسلام برای نابودی آن و همچنین توسعه فرهنگ دینی مؤثر نبوده نیست» و در عین حال به این نکته نیز اشاره می کند که «عزاداری ها در طول زمان دچار آفات، خطرات و انحرافات شده که نقش این وسیله مهم را تا حدودی کم رنگ کرده است.»

فصل اول کتاب به مراتب عزاداری و عزاداران می پردازد و تا مرتبه سوم عزاداری و آفتی را که عزادار در این مراتب با آن درگیر است، به صورتی کاملاً بدیع و موشکافانه تبیین می کند، حتی از ذکر این نکته نیز برمی گذرد که «عزاداران، همانند مؤمنان دارای درجات و مراتب مختلفی هستند که هر مرتبه، درجه و جایگاه عزادار را در نظام انسانیت و نزد خداوند نیز میزان قرب او را به سیدالشهدا(ع) نشان می دهد.»

سپس به شرح مراتب عزاداری می پردازد و کمترین مرتبه را غم و اندوهی برمی شمارد که از مصیبت وارده به سیدالشهدا(ع) در قلب عزادار می نشیند، البته استاد پایین تر از این حد را نیز در مورد دشمنان حضرت منصور می داند «و پایین تر از آن، مرتبه دشمنان حضرت است، یعنی مرتبه ای که شخص به مصائب حسینی آگاه شود و ناراحت نشود و به آن راضی باشد.» گرچه به نظر نمی رسد در بین شیعیان آن حضرت کسی به این حد از شقاوت برسد که از شهادت آن حضرت احساس نشاط بکند، ولی تنها اتکفا به مرتبه اول عزاداری برای شیعه و دوستدار آن حضرت - می تواند بدتر از وضع دشمنان آن حضرت قلمداد بشود.

ایشان مرتبه دوم عزاداری را در این می داند که «عزادار غم و نارضایتی خود را به شکل های گوناگون از قبیل فرنگی چهره، گرفتن حالت بغض و گریه، پوشیدن لباس سیاه عز، به سینه و سر زدن سوز و دانه» و این مرتبه را احساسی می داند که عزاداران کلیمی، مسیحی و پیروان سایر مذاهب در مواجهه با شهادت حضرت سیدالشهدا(ع) در اندرون پاک حسینی گونشان دارند، چرا که همه انسان ها فارغ از رنگ و پوست و مذهب، فرزندان حضرت خطاب می شوند.

اما در مرتبه سوم عزاداری که شمیمان حضرت بیشترین اعضای آن را تشکیل می دهند، عزادار تنفر و اعتراض خود را نسبت به عاملان مصیبت و جنایتکاران در حق سیدالشهدا(ع) و بارانش و به طور کلی همه اهل بیت(ع) اظهار می کند، سپس ترقی عزادار از مرتبه دوم عزاداری را در «شناخت بیشتر سیدالشهدا(ع) و اعتقاد بالاتر و بیشتر به عز، به سینه و سر زدن سوز و نسیب درباره قیام ایشان در برابر یزید و یزیدیان» می داند و آفات عزاداری را در این مرتبه به بحث می نشیند و مادر همه آفات را «انجام عمل و ادامه آن برای مدت طولانی، بدون شناخت کامل و دقیق مقررات و آداب آن می داند.»

فصل دوم کتاب بعد از شناساندن معصومین(ع) از طرق آیات، روایات و احادیث و منابع و دلایل شناخت ایشان در قرآن کریم، زیارت عاشورا و جامعه کبیره، چگونگی رشد عزادار از مرتبه سوم به مراتب بالاتر را منحصر به فهم درست این منابع می داند؛ «اگر کسی بخواهد معصومین(ع) را بشناسد، بی شک بدون مراجعه به قرآن کریم و استمداد از خداوند، نمی تواند به شناخت صحیحی دست یابد» و پسندیده با اشاره به انواع مصائب، کشف وظیفه و از الزامات عزاداری حقیقی می داند.

فصل سوم کتاب با بیان وظیفه عزادار در قبال انتمه(ع) «بدان واقعی مان» به اثرات تلخ و گزنده مصیبت عظیم در حیطه فردی و اجتماعی می پردازد؛ «فداکاری به خاطر معشوق و معبود حقیقی و نیز تحمل محدود و سختی ها برای او، مهم ترین راه اثبات و اظهار عشق و ایمان حقیقی است.» در ضمن، بیدار سازی و الهام بخشی مبارزه با مستکبران از آثار اجتماعی این مصیبت قلمداد شده و «قدرت و شدت تأثیر گذاری این عوامل گاهی به قدری زیاد است که منجر به یک انقلاب عظیم و سرنوشتی حکومت های جائز می شود.» در ادامه با تعریفی از عزاداری از دلایل لزوم و روش های مختلف تشویق به عزاداری در سیره قرآن و معصومین(ع) به دفع یک توهم پرداخته می شود؛ «بعضی گمان کرده اند که صرف گریه بر امام حسین(ع) آنها را از عمل خالصانه و تقوا بی نیاز می کند و اگر هر عملی انجام داند و هر ذلیلت اخلاقی داشته باشند، دیگر اهمیتی ندارد و همین که اهل گریه بر امام حسین(ع) باشند، اهل نجات هستند.»

فصل چهارم کتاب به وظیفه شناسی در برابر مصیبت اعظم اختصاص یافته است. در این فصل به معانی فقرات زیارت عاشورا پرداخته شده است. در ذیل معنای تعبیر (وتر و موتور) این گونه آمده است: «این تعبیر به معنای مصیبت زده و مظلومی است که انتقام او گرفته نشده باشد، یعنی عبارت (والوتر الموتور) نشان می دهد ماجرای عاشورا یک امر شخصی و تاریخی نبوده است که تمام شده باشد بلکه امری مربوط به همه جامعه انسانی و همه زمان هاست و انتقام سیدالشهدا(ع) با کشته شدن قاتلان حضرت گرفته نشده است»، سپس چگونگی رشد، ماهیت و پیدایش روح انتقام در عزادار حقیقی و اهمیت آن در عزاداری ها به تفصیل کالبدشکافی شده است.

□□□

برشی از کتاب:

هر کس از درپچه نگاه خود، امام حسین(ع) را تعریف می کند.

– عده ای او را تنها به تشنگی، شهادت، اسارت خانواده اش می شناسند و برایش دلسوزی می کنند.

– عده ای جان خود را با جان امام درهم آمیخته می بینند و گویی هر لحظه، همراه او جانبازی می کنند. از دلسوزی تا جانبازی فاصله بسیار است.

هدف عزاداری گریاندن و گریستن نیست، بلکه برای عزادار حقیقی، گریه و وسیله ای است برای صاف و زلال کردن روح، گریستن مقدمه و آغازی برای سبکبالی است نه اوج یک عزاداری. همچون وزنه ای که از بال های یک پرده باز شود. هر قطره اشک نیز عزادار حسین(ع) را از غیر امام آزاد می کند و به لحظه پرواز و ملاقات با امامش نزدیک تر می سازد.

□□□

کسی که نمی داند «چرا»... در گرداب هر «چگونگی» مبتلا خواهد شد.

حذف شدن فهم «چرا» ماجرای عاشورا و بی توجهی به عنصر شناخت مقام امام و صرفاً پرداختن به جنبه عاطفی و احساسی آن واقعه بزرگ، عزاداری را تبدیل به هدف می کند و این آفت بزرگی است که نه تنها سازندگی عزاداری را از بین می برد، بلکه برای فرد و جامعه خطر ناک نیز است.